

تحولات اخیر در ترکیه از جمله استعفای احمد داووداوغلو از نخست وزیری، باعث شده تا این بحث مطرح شود که حزب عدالت و توسعه دچار اختلافات جدی شده است؛ شما استعفای داووداوغلسو را چگونه ارزیابی می کنید و آیا می توان گفت این استعفا نشان‌ه اختلافات جدی در حزب عدالت و توسعه است؟

استعفای احمد داووداوغلو ۲۰ ماه بعد از سکانداری نخست وزیری ترکیه بعد از جدایی عبدالله گل از حزب عدالت و توسعه، در واقع به نوعی می‌شود گفت یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌ها در حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شود. البته میان جدایی عبدالله گل و استعفای احمد داوواوغلو از ریاست حزب عدالت و توسعه تقریباً تفاوت‌های عمیقی وجود دارد.

همان‌طور که آقای احمد سورو، نظریه‌پرداز و نویسنده معروف ترکیه در کتاب خودش با عنوان «دوازده سال با عبدالله گل» می‌نویسد تفاوت‌های نگرشی و اختلافات سیاسی عمیقی بین آقای عبدالله گل و رجب طیب اردوغان وجود داشته اما به نظر نمی‌رسد این چنین معنی از اختلافات بین داووداوغلو و اردوغان وجود داشته باشد.
بیشتر اختلافاتی که بین داووداوغلو و اردوغان هست مربوط به اولویت بندی موضوعات بوده تا ماهیت موضوعات، این در حالی است که عبدالله گل در میاحث داخلی مثل پرونده‌های مربوط به جریان گولن یا پرونده سسوریه و عراق اختلافات بنیادی با اردوغان داشت اما داووداوغلو بیشتر به نظر می‌رسد روی اولویت‌بندی موضوعات با رئیس حزب عدالت و توسعه اختلاف دارد. یعنی داووداوغلو به عنوان چهره‌ای که در گذشته استاد دانشگاه بوده و تألیفات متعددی دارد بیشتر هم و غمش در دوره نخست وزیری این بوده که بتواند مسائل کردها، پ ک ک، اتحادیه اروپا و مسائل مشابهی را که ترکیه در داخل و خارج با آن رو به رو بوده، حل کند ولی اردوغان بیشتر به دنبال تغییر نظام پارلمانی ترکیه به نظام ریاستی بوده ولی داووداوغلو این را اولویت نمی‌دانست و رفتارش نشان می‌داد که سرعت عملی که دولت وی در این زمینه داشت با رضایت اردوغان همراه نبود.

اختلافات بین رجب طیب اردوغان، عبدالله گل و احمد داووداوغلو به نظر تان تا چه حدی می تواند آینده سیاسی حزب عدالت و توسعه را تحت تأثیر قرار دهد و تا چه حد احتمال می‌رود این حزب هم مثل بعضی از حزب های دیگر ترکیه شاهد انشقاق شود یا اینکه حتی جریان جدیدی ایجاد شود؟

این که بگوییم این اختلافات تا چه حد می‌تواند منجر به تشکیل جریان های جدیدتر حزب عدالت و توسعه شود جای بحث دارد، به خصوص از این جهت که ما در گذشته شاهد بودیم جریان‌های اسلامی در ترکیه بارها شاهد انشقاق و شکاف شدند و اساساً خود حزب عدالت و توسعه نتیجه انشقاق در جریان‌های اسلامی رفاه و فضیلت و در واقع اعضایی بود که بعد از حزب رفاه روی کار آمدند. گزارش‌هایی وجود دارد که عبدالله گل به دنبال تشکیل یک حزب جدید در ترکیه است و در این خصوص رایزنی‌هایی در داخل و حتی در خارج از ترکیه با طرف‌های غربی انجام داده اما اینکه احمد داووداوغلو هم چنین قصدی را داشته باشد با توجه به موقع گیری‌های او در روزهای اخیر بعید به نظر می‌رسد.
در واقع داووداوغلو برای اینکه بعداً بتواند در چارچوب حزب عدالت و توسعه با اردوغان همکاری کند و حتی احتمالاً بتواند آن تزی را که به نوعی زمانی بین اردوغان و گل مطرح بود- یعنی تعویض نخست وزیری و ریاست جمهوری - دنبال کند و احتمالاً بتواند چنین نقشی را برای خود در سال‌های آینده در ذهنش داشته باشد، موضع گیری‌های تندی بعد از استعفای خود اتخاذ نکرد. به نظر می‌رسد داووداوغلو اساساً از برنامه‌هایی که حزب عدالت در پیش گرفته خصوصاً در بحث تغییر قانون اساسی و نظام سیاسی ترکیه حمایت می‌کند. اینها برنامه‌هایی است که دنبال تضمین بقا و قدرت حزب عدالت و توسعه در دو سه دهه آینده در ترکیه است و به خاطر همین به نظر می‌رسد نباید استعفای احمد داووداوغلو را به عنوان جدایی کامل از حزب عدالت و توسعه ارزیابی کرد.

به هر حال، با استعفای داووداوغلو، دولت ترکیه دچار تغییرات قابل توجهی بود. به نظر تان این جدایی چه تأثیر زیادی در سیاست خارجی ترکیه خواهد گذاشت و آیا می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های آنکارا نسبت به مسائل مهم منطقه از جمله سوریه شاهد تغییری باشد؟

واقعیت این است که داووداوغلو معمار سیاست خارجی ترکیه در یک دهه اخیر بوده و بسیاری از کارشناسان ترک نیز بر این اعتقاد هستند؛ بعد از این هم در واقع سیاست خارجی ترکیه خصوصاً در مسائل منطقه‌ای، پرونده سوریه و عراق با همان نظریاتی که داووداوغلو تأکید کرده ادامه پیدا خواهد کرد این موضوع از این جهت اهمیت دارد که شخصی به عنوان نخست وزیر جدید ترکیه یعنی بنعلالی یلدریم یک چهره کاملاً اقتصادی محسوب می‌شود که با اجرای طرح‌های رفاهی، اقتصادی و انرژی و از تباطاتی موفقیت‌های خوبی داشته است.

به نظر می‌رسد اردوغان با انتخاب چنین فردی به عنوان رئیس حزب عدالت و توسعه و نخست وزیر ترکیه تلاش دارد که برای بسالا بردن رضایت مردم از حزب عدالت و توسعه در بخش‌های اقتصادی و رفاهی دولت را به دست یک چهره‌ای بدهد که پرونده و کارنامه مثبتی دارد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد اردوغان تصمیم دارد مسائل سیاسی و امنیتی را خودش در دست داشته باشد، اگر چنین نظری درست باشد احتمالاً این به بعد ورود اردوغان در مسائل سیاست خارجی ترکیه بیشتر خواهد شد. از نسوی دیگر، با توجه به نوع موضع گیری‌هایی که اردوغان طی سال‌های گذشته در پرونده سوریه داشته بسیاری از کارشناسان به تغییر سیاست ترکیه در پرونده سوریه خوشبین نیستند.

اورش ترکیه در تاریخ مدرن این کشور همواره نقش مهمی در سیاست داشته است و بعضی‌ها با توجه به اختلافات اخیر در میان حزب عدالت و توسعه این نظر را مطرح می‌کنند که ممکن

■ محمد بابایی

استعفای احمد داووداوغلو از نخست وزیری ترکیه باعث تعجب خیلی از ناظران شد چراکه او رابطه بسیار نزدیکی با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه داشت و همین مسئله گمانه‌زنی‌هایی را درباره افزایش اختلافات داخلی و حتی احتمال انشقاق در درون حزب عدالت و توسعه ایجاد کرده است. در این باره با احمد

کارشناس ارشد مسائل قفقاز و ترکیه به

گفت‌وگو نشستیم. کاظمی معتقد است که نباید استعفای احمد داووداوغلو را به عنوان جدایی کامل او از حزب عدالت و توسعه ارزیابی کرد و این رئیس‌جمهور ترکیه داشت و همین مسئله موضوعات بوده‌است تا ماهیت اولویت‌ها. هر چند کاظمی در ادامه خاطر نشان می‌کند که عبدالله گل از رهبران ارشد حزب عدالت و توسعه ممکن است

چنین بستری وجود داشته باشد.

بحث تحولات درونی حزب عدالت و توسعه درباره احتمال کودتا توسط ارتش ترکیه را مطرح می‌کنند، شما این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از سال ۶۰ به بعد نظامیان در صحنه سیاسی ترکیه با رقم‌زدن چهار کودتا نقش‌آفرین بودند ولی واقعیت این است که طی ۱۴ یا ۱۵ سال گذشته با اقداماتی که حزب عدالت و توسعه خصوصاً در قالب سرفصل‌های همکاری با اتحادیه اروپا انجام داده توانسته اختیارات نظامیان را محدود کند. پرونده معروف عبدالله گلن که در واقع شاید بشود گفت یکی از پرونده‌های مهم قرن در ترکیه بوده و منجر به بازداشت صدها نفر از چهره‌های نظامی و یازنشته‌شدن یا زندانی شدن آنها شد صدمه فراوانی هم بر جایگاه ارتش در میان افکار عمومی هم بر قدرت دخالت ارتش در امور سیاسی ترکیه گذاشتند.

به‌رغم اینکه انتقاداتی از رویکرد ترکیه در مسئله تحولات منطقه‌ای و مسائل کردها در بین ارتشیان ترکیه وجود دارد ولی به نظر می‌رسد که ارتش ترکیه از ساز و کار‌های گذشته برای دخالت در مسائل سیاسی برخوردار نیست. ضمن اینکه در واقع چنین نگرشی در افکار عمومی هم وجود ندارد. واقعیت امر این است که با تمامی انتقادهایی که به حزب عدالت و توسعه وارد است باید ما در تحلیل وضعیت واقعی و میدانی ترکیه به این موضوع توجه کنیم که الان تمام احزاب رقیب حزب عدالت و توسعه، یعنی حزب جمهوری خواه خلق که گرایش‌های لائیک دارد یا حزب حرکت ملی که گرایش‌های قومی‌گرایانه با نوعی چاشنی اسلامی دارد یا حزب خلق‌های کرد که بیشتر یکی از احزاب اقلی‌رای‌ای بود که شناخته می‌شود دچار بحران‌های داخلی هستند؛ یعنی هیچ کدام دارای تأثیرگذاری گسترده نیستند.

تجربه نشان داده که ارتش ترکیه هر وقت خواسته در امور سیاسی دخالت کند همسو با یکی از جریان‌های داخلی بوده که از قدرت و شرایط تأثیرگذاری در محیط سیاسی برخوردار بوده اما به نظر نمی‌رسد هم اکنون



گفت‌وگو با احمد کاظمی، کارشناس ارشد مسائل ترکیه و قفقاز

تغییر داووداوغلو

سیاست خارجی ترکیه را تغییر نمی‌دهد

کاظمی، کارشناس ارشد مسائل قفقاز و ترکیه به گفت‌وگو نشستیم. کاظمی معتقد است که نباید استعفای احمد داووداوغلو را به عنوان جدایی کامل او از حزب عدالت و توسعه ارزیابی کرد و این رئیس‌جمهور ترکیه داشت و همین مسئله موضوعات بوده‌است تا ماهیت اولویت‌ها. هر چند کاظمی در ادامه خاطر نشان می‌کند که عبدالله گل از رهبران ارشد حزب عدالت و توسعه ممکن است

تأثیر منفی بر نوع تعامل دولت عدالت و توسعه با کردها گذاشته است. البته بحث لغو مصونیت ۱۴۸ تن از نمایندگان ترکیه محدود به کردها نیست و برخی از نمایندگان احزاب رقیب حزب عدالت و توسعه را در پارلمان از برمی‌گرد به همین خاطر است که با اشاره کردم برای اینکه حزب عدالت و توسعه بتواند طی دو سه دهه آینده حضور خود را در قدرت تثبیت و گسترش دهد اقدامات و برنامه‌های دراز مدت دارد که یکی از این برنامه‌ها بحث ممنوعیت لغو مصونیت نمایندگان است.

البته آنچه مشخص است اینکه اقدام حزب عدالت و توسعه برای حذف رقیب‌های خود از طریق تصویب اینگونه قوانین در تاخیخ دم‌آور است. ترکیه کارنامه روشنی محسوب نمی‌شود و به نظر می‌رسد این نوع برخورد حزب عدالت و توسعه با موضوع مصونیت نمایندگان، مسئله کردها را این‌بست بیشتری مواجه می‌کند و زمینه را برای تشدید حملات زیرزمینی کردها در ترکیه بیشتر خواهد کرد.

از سوی دیگر باید در نظر داشت که حمایت برخی دیگر از نمایندگان حاضر در پارلمان از این قانون بیشتر به خاطر این بوده که آنها نگران بودند، حزب عدالت و توسعه این قانون را به همه‌پرسی بگذارد و در نتیجه زمینه هر چه بیشتر برای پیشبرد برنامه‌های حزب عدالت و توسعه خصوصاً در بحث تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی مهیا کند.

پارلمان ترکیه اخیراً با تصویب متمم موقت قانون اساسی به لغو مصونیت پارلمانی بیش از ۳۰ نماینده رأی داد، گفته می‌شود هدف اصلی این طرح کردها هستند، در حال حاضر سیاست حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان نسبت به کردها چگونه پیش می‌رود؟

به نظر می‌رسد به موازات تشدید حملاتی که ارتش ترکیه به کردها در قندیل و همچنین درگیری‌هایی که در داخل شهرها با کردها داشتند، حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند از لحاظ سیاسی در داخل کردها را محدود کند و دلیل این مسئله این است که در واقع بحث مذاکره با کردها به بن‌بست رسیده و این موضوع



کوبانی، جزیره وغفرین که می‌تواند منجر به تشدید یک کانون خودمختار کردی شود جلوگیری کند. اما به رغم حساسیت‌های ترکیه و درخواست این کشور از امریکا برای توقف حمایت خود از کردها، واشنگتن در این خصوص با ترکیه همکاری نداشته و همکاری‌ای که امریکا با کردها در قالب یگان‌های مدافع خلق داشته منجر به خشم بیشتر آنکارا شده است چراکه از نظر ترکیه یگان‌های مدافع خلق در واقع همان شاخه سوری حزب کارگران کردستان (پ ک ک) محسوب می‌شوند. این مسئله در واقع مهم‌ترین اختلاف واشنگتن و آنکارا را در مسئله سوریه تشکیل می‌دهد و به همین خاطر است که ترکیه از امریکانتقاد می‌کند چون درخواست‌های مکرر ترکیه برای انجام عملیات زمینی مشترک در بخشی از شمال سوریه با امریکا با پاسخ منفی واشنگتن مواجه شده است.

به نظر می‌رسد در بحث کردهای سوریه اختلافات عمیقی بین امریکا و ترکیه وجود دارد که روی همکاری‌های دو طرف تأثیر گذاشته‌کما اینکه برخی از جریان‌های ترکیه تأکید دارند که آنکارا باید از ابزار پایگاه اینترلیک برای فشار به امریکادر موضوع سوریه استفاده کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که درباره سیاست خارجی ترکیه هم اکنون مطرح است بحث عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم صهیونیستی است، به نظر تان چقدر احتمال وجود دارد که روابط دو طرف به حالت عادی برگردد؟

بعد از حمل‌های که به کشتی مرمره از سوی نیروهای رژیم صهیونیستی انجام شد و کاروان آزادی که حامل کمک‌های انسان‌دوستانه برای فلسطینی‌ها بود، مورد هدف قرار گرفت مشکلاتی در روابط تل‌آویو و آنکارا ایجاد شد.

واقعیت امر این است که روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی از لحاظ اقتصادی و حتی از لحاظ امنیتی هیچ گاه دچار تغییر محسوسی نشده بود که مثلاً الان بحث عادی شدن این روابط مطرح شود. آنچه مشخص است بخشی از روابط سیاسی و ملاحظاتی که از لحاظ سیاسی بین دو طرف بود دستخوش تغییراتی شد که عمدتاً بار رسانه‌ای داشت و گرنه مرادفات و همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی وجود دارد.

ظاهراً ترکیه سه شرط مطرح کرده بود برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی که عبارتند از: عذرخواهی رژیم صهیونیستی، پرداخت غرامت و بحث پایان دادن به محاصره غزه و از سمت

می‌تواند هزینه‌های زیادی برای سیاست ترکیه داشته باشد.

اخیراً شاهد چالش‌هایی در روابط ترکیه با اتحادیه اروپا درباره بحران آوارگان بوده‌ایم و مقام اتحادیه اروپا به ترکیه بر سر بحران آوارگان سوری فشار وارد می‌کنند و تنش‌های بین دو طرف وجود دارد. لطفاً در مورد این تنش‌ها توضیح بدهید.

آنکارا مدعی است که تا به حال حدود ۸ میلیارد دلار برای آوارگانی که به واسطه جنگ در سوریه و عراق عازم ترکیه شدند، هزینه کرده است اما خب این با واقعیت‌های میدانی موجود در ترکیه و نوع رفتاری که آنکارا با آوارگان داشته همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد که ترکیه از موضوع آوارگان به عنوان گروگان سیاسی برای تحت فشار قرار دادن طرفین اروپا استفاده می‌کند. شما می‌دانید از زمانی که نامزدی ترکیه در اتحادیه اروپا پذیرفته شد ترکیه باید در ۳۵ فصل اصلاحاتی را برای عضویت در این اتحادیه انجام می‌داد که برخی از این سفر فصل‌های مهم تاکنون انجام نشده‌است. این در حالی است که دولت ترکیه به واسطه مشکلات و بحران‌های اقتصادی ناشی از کاهش درآمد صنعت توریسم سعی دارد بخشی از این کاهش درآمد را از طریق کمک‌های اتحادیه اروپا حل کند و هم‌اینکه بتواند با ایجاد تسهیلات روادیدی و حتی لغو واردید برای اتباع ترک جهت سفر به اتحادیه اروپا شرایط جدیدی را از لحاظ اقتصادی برای شهروندان خود ایجاد کند و در این روند از موضوع آوارگان به عنوان ابزار استفاده می‌کند.

اوج این روند زمانی بود که ترکیه مرزهای خود را باز گذاشت و در نتیجه هزاران آواره به سمت مرزهای اروپایی، ایتالیا، فرانسه هجوم بردند و حتی گفته می‌شود که در واقع خیلی از گروه‌های تکفیری و تروریستی در قالب همین آوارگان به داخل اروپا رفتند و بعد از آن بود که ترکیه بحث دریافت وام و کمک بلاعوض از اتحادیه اروپا و به دنبال آن بحث روادید را مطرح کرد. به نظر می‌رسد ترکیه با استفاده از بحث آوارگان سوری تلاش می‌کند امتیازاتی که در روند مذاکرات با اتحادیه اروپا نتوانسته به دست بیاورد از طریق ابزارهای سیاسی به دست بیاورد.

از چالش‌های مهمی که گفته می‌شود برای حزب عدالت و توسعه به ویژه برای شخص رجب طیب اردوغان وجود دارد، بحث جریان گولن است؛ چه عواملی باعث شده تا حساسیت‌های اردوغان به



این جریان افزایش باید و رابطه دو طرف چگونه است؟

بنابر گفته خود جریان گولن که رهبر آن فتح الله گولن است و هم اکنون در امریکا زندگی می‌کند، این جریان یک جریان اسلامی باشد که از سال‌های سال در درون ترکیه در بخش‌های اقتصادی، مراکز تجاری، فرهنگی، آموزشی و بخش‌های مختلف جامعه ترکیه نفوذ داشته و از این نفوذها به نوعی به عنوان دولت سایه یا دولت مینا در جامعه ترکیه نام برده می‌شد. اساساً روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و شخص آقای اردوغان در ترکیه با حمایت‌های جریان گولن بوده و این جریان نه تنها در ترکیه بلکه در کشورهای منطقه و آسیای مرکزی فعالیت گسترده‌ای دارد. از حدود چند سال پیش نوعی اختلاف میان اردوغان و جریان گولن ایجاد شد.

به نظر می‌رسد عامل اصلی این اختلاف روی بحث تقسیم قدرت بود و اردوغان که پایه‌های قدرت خود را تقویت کرده بود تمایلی نداشت یک دولت سایه به موازات دولت خودش در ترکیه باشد به خاطر همین شروع کرد به ایجاد محدودت‌هایی برای طرفداران جریان گولن در بخش‌های مختلف جامعه ترکیه و در همین راستا ده‌ها نفر بازداشت شدند. در پی این اقدامات علیه جریان گولن، بسیاری از مراکز تجاری این جریان به دست حزب عدالت و توسعه افتاد. همچنین بسیاری از مراکز رسانه‌ای جریان گولن مثل همین شبکه سمان یولو یا روزنامه زمان تغییر ماهیت دادند. در نتیجه اقدامات اردوغان علیه جریان گولن، این جریان به شدت در داخل ترکیه محدود شده است و الان هم یکی از چالش‌های مهمی که وجود دارد این است که حزب عدالت و توسعه چگونه می‌خواهد با بازماندگان جریان گولن رفتار کند چراکه انتظار اردوغان این است که این جریان را در ترکیه ریشه‌کن کند تا این جریان نتواند ال‌ترناتیوی برای حزب عدالت و توسعه در داخل جامعه ترکیه ایجاد کند.

بیشتر اختلافاتی که بین داووداوغلو و اردوغان هست مربوط به اولویت بندی موضوعات بوده تا ماهیت موضوعات، این در حالی است که عبدالله گل در مباحث داخلی مثل پرونده‌های مربوط به جریان گولن یا پرونده سوریه و عراق اختلافات بنیادی با اردوغان داشت

دیگر رژیم صهیونیستی خواهان بسته شدن دفاتر حساس در استانبول و آنکارا بوده و مذاکرات متعددی که به شکل محرمانه بین دو طرف در ماه‌های اخیر وجود داشته حاکی از این است که پیشرفت‌هایی برای از سرگیری ابعاد جدیدی از روابط میان دو طرف ایجاد شده اما آنچه مسلم است این است که متغیرهای اصلی در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی یعنی بحث‌های اقتصادی همکاری‌های امنیتی دستخوش تغییر نشده بلکه ترکیه سعی کرده با بهره‌ر داری رسانه‌ای از این موضوع در جهت تقویت موقعیت خود در افکار عمومی جهان اسلام استفاده کند.

البته نباید فراموش کرد که سیاست‌های اشتباه دولت ترکیه در پرونده‌های عراق و سوریه ناچاراً این کشور را به سمتی سوق می‌دهد که بتواند از ابزارهای کشورهایی مثل عربستان سعودی یا رژیم صهیونیستی در منطقه استفاده کند. مسئله مهمی را که نباید فراموش کرد این است که با توجه به مسائل و تفاوت‌های عمده‌ای که بین ترکیه و عربستان و رژیم صهیونیستی وجود دارد و عدم پیوند منافع در بسیاری از زمینه‌ها و عدم مقبولیت این روند از نظر افکار عمومی ترکیه